

مقایسه رضایت جنسی و احساس امنیت در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان

فاطمه خلیلی ۱ و حسن حیدری ۲

۱ کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین، خمین، ایران

۲ استادیار گروه روانشناسی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین، خمین، ایران

چکیده

پژوهش حاضر باهدف مقایسه بین رضایت جنسی و احساس امنیت در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان انجام شد. روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر محتوا توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای می‌باشد. با توجه به جامعه آماری پژوهش حاضر که شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان در تابستان سال ۱۳۹۶ بود، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از زوجینی که به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان مراجعه می‌کنند نمونه‌ها به تعداد ۲۶۰ نفر بر اساس جدول مورگان انتخاب گردیدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه رضایت جنسی هادسون (۱۹۸۱) و پرسشنامه نیازهای روان‌شناختی دسی و رایان (۲۰۰۰) بود و به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیره و یک راهه استفاده شد و نتایج حاصله نشان داد که حداقل یکی از متغیرهای وابسته یعنی رضایت جنسی و احساس امنیت در بین دو گروه تفاوت معناداری باهم دارند و ضریب ایتا نیز نشان داد که شدت تفاوت متغیرها بین دو گروه ۲۵ درصد است. براساس نتایج، بین رضایت جنسی و احساس امنیت در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت معنادار وجود دارد و رضایت جنسی و احساس امنیت در زنان متقاضی طلاق پایین‌تر از زنان عادی است.

واژگان کلیدی: رضایت جنسی، احساس امنیت، زنان، طلاق، خانواده..

مقدمه

طلاق^۱ در نظام‌های حقوقی غربی دلالت دارد بر انحلال یک رابطه‌ی زناشویی رسمی و قانونی در زمانی که هر دو طرف هنوز در قید حیات‌اند و پس از وقوع آن می‌توانند بار دیگر ازدواج کنند. طلاق معمولاً پس از یک دوره اختلال یا بی‌سازمانی در روابط زناشویی واقع می‌شود، گرچه همواره چنین نیست و مثلاً دو همسر که دارای انتظارات بالای لذت زناشویی هستند، ممکن است با رضایت کامل و بدون آن که اختلالی در روابطشان به وجود آمده باشد، برای گریز از ازدواج درصدد طلاق برآیند (ذوالفقاری، ۱۳۸۹) و عوامل مختلفی همانند اختلال عملکرد جنسی و اختلال در ارتباط عاطفی در آن دخیل است (کومار^۲، ۲۰۱۷؛ دیاموند و لگرو^۳، ۲۰۱۷؛ ریچارد و وینتر^۴، ۲۰۱۶؛ بایرن^۵، ۲۰۱۷). مطابق با آمار سازمان ثبت احوال کشور آمار طلاق از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۲ بیش از ۱۶ درصد افزایش یافته است (واعظی، ۱۳۹۴).

براساس آمارها در جامعه ما شمار جدایی^۶ زوجین رو به افزایش است و آمار و ارقام نشان از آن دارد که ایران چهارمین کشور پرطلاق در دنیا است (نجفی، بیطرف، محمدی‌فر و زارعی، ۱۳۹۴). گافال^۷ (۲۰۱۰) عوامل فردی (سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی-اجتماعی)، ارتباطی (کارکردهای روانی و عاطفی^۸ پیشین و یا میزان دلبستگی به همسر سابق) و روانی (میزان عزت نفس، مهارت‌های مقابله فردی، نگرشها و باورهای فردی) را از جمله عوامل موثر در پایان دادن به ازدواج و وقوع آن ذکر کرد. این در حالی است که محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی^۹ ایران، عوامل قبل از ازدواج مانند ازدواج با انگیزه نامناسب و ازدواج اجباری و عوامل بعد از ازدواج شامل تعارض با خانواده همسر، حضور اندک شوهر در منزل و تداوم معاشرت‌های مجردی، تعارض بر سر نگرشهای نقش جنسیتی، خشونت زناشویی، خیانت، بدگمانی و مشکلات مالی در بروز طلاق را موثر میدانند. از دیدگاه زنان و مردانی که تجربه طلاق دارند، عوامل متفاوتی زمینه‌ساز بروز طلاق است، چنانچه مطالعه باریکانی و محمدی (۱۳۹۲) نشان داد که مهمترین دلایل مردان برای جدایی و طلاق، دخالت‌های خانوادگی و در میان زنان مهمترین دلیل طلاق، انتخاب نادرست همسر می‌باشد. یکی از عواملی که در سلامت افراد نقش موثری دارد، تمایلات و رضایت جنسی رضایت بخش آنان بوده است که شامل: ابعاد فیزیولوژیکی، روانی اجتماعی، تکاملی و پاسخ جنسی می‌باشد. عملکرد جنسی رضایت بخش علاوه بر تامین بهزیستی روان شناختی افراد، موجب بقای نسل و تولید مثل میگردد و پژوهشگران آن را به عنوان زیربنای تشکیل خانواده پذیرفته و ارضای آن را بسیار مهم و ضروری می‌دانند (قهنویه، معروفی و ملایی‌نژاد، ۱۳۹۴).

رضایت از رابطه جنسی، یکی از عوامل مهم رضایت از زندگی زناشویی، از عوامل مهم مؤثر بر سلامتی و کیفیت زندگی زوجین و از مهمترین شاخص‌های رضایت از زندگی است. رضایت جنسی، به احساس خوشایند شخص از روابط جنسی خود اطلاق می‌شود. رضایت جنسی، در حوزه‌های خانواده و مسائل زناشویی اهمیت ویژه‌ای دارد و مطالعات متعددی نیز به تأثیر رضایت جنسی بر رضایت زناشویی اشاره کرده‌اند. این مطالعات نشان داده‌اند که وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند باعث تأمین رضایت طرفین شود، نقشی بسیار مهم و اساسی در پایداری کانون خانواده دارد. لذا در خانواده‌هایی که فعالیت جنسی رضایت بخش وجود ندارد، انواع مشکلات جنسی بروز می‌کند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱) تمایلات جنسی به مثابه یکی از پیچیده‌ترین ابعاد زندگی زنان محسوب میشود که از عوامل متعددی متأثر می‌شود و بر ابعاد مختلفی از زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. چنین تمایلات و واکنش‌هایی، گستره‌ای از رفتارهای جنسی و غیرجنسی است که بیشتر مطالعات گذشته بر فراوانی آمیزش و میزان ارگاسم‌های

۱. Divorce

۲. Kumar

۳. Diamond, MD, LegroMD

۴. Richard, A., Winter, Sam

۵. Byrne

۶. Divorce

۷. Gafal

۸. Psychological and emotional functions

۹. Cultural-social

تجربه شده در زنان و مردان متمرکز شده و تاثیر آن را بر رضایت جنسی مورد تأیید قرار داده‌اند (اشدون و هاكاتورن و كلارك^{۱۰}، ۲۰۱۱).

نامی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آگاهی جنسی، رضایت جنسی و زندگی زناشویی در مردان و زنان متقاضی طلاق تفاوت وجود دارد. کومار^{۱۱} (۲۰۱۷) نشان داد که زنان مطلقه در مقایسه با زنان عادی از میزان بالاتر اختلال عملکرد جنسی و میزان پایین تر رضایت جنسی برخوردار بودند. پژوهش دیاموند و لگرو^{۱۲} (۲۰۱۷) نشان داد زناشی که دارای اختلال عملکرد جنسی هستند به میزان بیشتری دارای احتمال طلاق و نارضایتی از همسر خود هستند. پژوهش باین^{۱۳} (۲۰۱۷) نشان داد زوجینی که از رابطه جنسی ناراضی هستند، دارای میزان پایینی از رضایتمندی از رابطه زناشویی هستند و نگریشان بر جدایی مثبت بوده است. پژوهش مزینانی، اکبری و کاشانیان (۱۳۹۱) نشان داد که بیمارانی که دچار مشکلات عملکرد جنسی هستند دارای اختلالات روانپزشکی می باشند. پژوهش میده و محمدی (۱۳۹۱) نشان داد که افسردگی با میل جنسی کم و اختلال در برانگیختگی جنسی و نارضایتی جنسی ارتباط آماری معناداری داشت. پژوهش رحمانی و مرقاتی (۱۳۹۰) رضایت از زندگی زناشویی با رضایت جنسی ارتباط معنی دار دارد. پژوهش ریچارد و وینتر^{۱۴} (۲۰۱۶) نشان داد که باورهای ناسازگار جنسیتی به عنوان عوامل مستعد کننده با ایجاد افکار و احساسات خودکار منفی منجر می شوند، که مانع از پردازش محرک های وابسته به انسجام جنسی می شود و منفی بودن آن با رضایت جنسی و جدایی همسران ارتباط دارد.

یکی دیگر از متغیرهایی که نادر این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، امنیت در زنان است. لذا امنیت در زنان حول محور مساله‌ای به نام ادراک نیازهای روان شناختی بررسی گردید.

نیازها انواع مختلف دارند: (۱) نیازهای فیزیولوژیکی (تشنگی، گرسنگی، میل جنسی) به نحوه‌ی عمل سیستم‌های زیستی وابسته هستند. (۲) نیازهای روانشناختی (خودمختاری، شایستگی، ارتباط) به ماهیت انسان و رشد سالم وابسته هستند. (۳) نیازهای اجتماعی (پیشرفت، صمیمیت، قدرت) از تاریخچه هیجانی و اجتماعی شدن‌ها فراگیری یا روانی شده‌اند. نیازهای روان شناختی، در عمق وجود انسان قرار دارند و بنابراین در هر کسی فطری هستند.

به طور کلی، وقتی فردی احساس کند که نیازهایش ارضاء شده است؛ رضایت و تعهد بیشتری تجربه می کند و پاسخ‌های سازگارانه‌تری را برای حل تعارض‌ها به کار می گیرد. ارضای نیاز به تعلق، براساس شواهد موجود، مهم‌ترین پیش‌بینی چنین پیامدهایی است و در بین سه نیاز بنیادین روان شناختی سهم ویژه‌ای در رضایت فرد دارد (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷). به علاوه، احساس تعلق، ارتقاء بخش اشکال مختلف رفتارهای اجتماعی (مانند کمک کردن و همکاری به قصد سود رساندن به مردم) است و باعث ارتقاء ضوابط زوجین نیز می شود. همچنین افرادی که تجربه تعلقاتشان بیشتر است به احساسات خود نیز بیشتر بها می دهند و از تجارب خود عمیق تر لذت می برند (ذوالفقاری، ۱۳۸۹).

لذا با استناد به یافته‌های پژوهشی که ذکر شدند می توان پیش بینی کرد که ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی با سازگاری زوجین رابطه وجود دارد.

ابهری (۱۳۹۵) نشان داد که میانگین نمرات کلیه ابعاد کیفیت زندگی (سلامت فیزیکی، روان شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی) زنان مطلقه به طور معناداری کمتر از زنان غیرمطلقه است. پژوهش جمالی تبار (۱۳۹۵) نشان داد که بین دو گروه آزمایش و کنترل پس از اجرای گروه درمانی فراشناختی زنان مطلقه و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. پژوهش ولی زاده (۱۳۹۴) نشان داد که ارتباط معنادار بین تاب‌آوری و نگرانی با سلامت روان وجود دارد و می توان با برگزاری دوره‌هایی مبتنی بر افزایش

10 . Ashdown., Hackathorn, & Clark

11 . Kumar

12 . Diamond, MD, LegroMD

13 . Byrne

14 . Richard, A., Winter, Sam

مهارت‌های تاب‌آوری و کاهش نگرانی، سلامت روان‌شناختی در زنان را افزایش داد تا در ایفای نقش مهم ایشان در جامعه یاری شوند. باسینگ و لاگینا (۲۰۱۷) نشان دادند که رضایتمندی از ارتباط زناشویی بوسیله اثرات شایستگی اخلاقی و ادراک شایستگی مورد تبیین قرار می‌گیرد. ادراک شایستگی به عنوان متغیر واسطه‌مندی شایستگی اخلاقی را به رضایتمندی از زندگی زناشویی پیوند می‌دهد. هرمان، گری و نیکولز^{۱۵} (۲۰۱۷)، به این نتیجه دست یافتند که ادراک شایستگی برقراری ارتباط منجر به بهبود رضایتمندی زناشویی می‌گردد. پژوهش تازیکی (۱۳۹۳) نشان داد میانگین بین دو گروه زنان مطلقه و عادی در متغیر شادکامی از نظر آماری معنادار است. پژوهش عباسی (۱۳۹۳) نشان داد که بین تمامی طراحواره‌های ناسازگار اولیه زنان مطلقه و عادی تفاوت معنادار وجود دارد، میانگین روان رنجوری، تجربه پذیری و وجدانی بودن در بین زنان مطلقه و عادی تفاوت معناداری دارد. سوال پژوهش عبارت از اینکه آیا بین رضایت جنسی و احساس امنیت در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد؟

فرضیه های پژوهش (هدف پژوهش برای پژوهش های کیفی ضروری است)

۱. فرضیه اصلی: بین رضایت جنسی و احساس امنیت در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد.
۲. فرضیه فرعی یکم: بین رضایت جنسی در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد
۳. فرضیه فرعی سوم: بین احساس امنیت در بعد خودمختاری در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد.
۴. فرضیه فرعی چهارم: بین احساس امنیت در بعد ارتباط با دیگران در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش و ابزار پژوهش

روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از لحاظ شیوه اجرا، میدانی و پیمایشی و از نظر محتوا توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای می‌باشد و جهت بررسی تفاوت بین گروه‌ها از پرسشنامه استفاده شد. در پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای تفاوت بین متغیرها و همچنین شدت تفاوت‌ها مشخص می‌گردد. در پژوهش حاضر رضایت جنسی و احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته و تقاضای طلاق به عنوان متغیر مستقل لحاظ می‌شوند. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، کلیه زوجین متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان در تابستان سال ۱۳۹۶ می‌باشد. با توجه به جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر که شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان در تابستان سال ۱۳۹۶ می‌باشد، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از زوجینی که به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان مراجعه می‌کنند نمونه‌ها به تعداد ۲۶۰ نفر بر اساس جدول مورگان انتخاب گردیدند.

ابزارهای پژوهش:

الف) پرسشنامه رضایت جنسی هادسون (۱۹۸۱): این مقیاس در سال ۱۹۸۱ توسط هادسون، هریسون و کروسکاپ برای ارزیابی سطوح رضایت زوجین ساخته شد. این مقیاس، دارای ۲۵ سوال و از نوع خود گزارش دهی محسوب می‌شود. پاسخ آزمودنی به هر ماده آزمون، در سطح یک مقیاس ۷ درجه‌ای بین ۰ تا ۶ مشخص می‌شود و در مجموع، نمره آزمودنیها در کل تست بین ۰ تا ۱۵۰ در نوسان است. نمره بالا در این مقیاس منعکس کننده رضایت جنسی است. سازندگان آزمون روایی سازه آزمون را ۰/۷۹ و پایایی آزمون را از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش کردند. این پرسشنامه، توسط پوراکیب (۲۰۱۰) به اجرای طرح مجدد به

¹⁵ . Herman, A., Garey, D., Nikoless

فاصله ۱۵ روز برای بررسی وضعیت هنجاری مقیاس انجام شد. نتایج اجرای آزمون و اجرای مجدد آن بوسیله آزمون همبستگی مورد تحلیل واقع شد. نتایج این آزمون نشانگر میزان همبستگی ۰/۹۶ شده است. همچنین برای بررسی دقیقتر اعتبار بدست آمده از روش دو نیمه کردن ۰/۸۸ شده است. ضریب گانمن محاسبه شده نیز ۸۰ درصد است. در پژوهش حاضر، برای تعیین پایایی پرسشنامه رضایت جنسی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ب پرسشنامه نیازهای روانشناختی دسی و رایان (۲۰۰۰): پرسشنامه بعدی که در این پژوهش استفاده می‌شود پرسشنامه نیازهای روانشناختی دسی و رایان (۲۰۰۰) است. در این پرسشنامه مقیاس توسط گاردیا دسی و رایان در سال ۲۰۰۰ ساخته شده است که میزان احساس حمایت نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگر آزمودنی‌ها را می‌سنجد. روش پاسخدهی به صورت روش طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً موفقم (نمره ۷) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) می‌باشد. مقیاس مذکور ۲۱ ماده است. روایی و پایایی آزمون را سازندگان از طریق تحلیل عاملی و ضریب آلفای کرونباخ بررسی کردند. روایی آن بین ۰/۷۴ تا ۰/۹۱ بود و پایایی آن برای مقیاسهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۷ و ۰/۹۱ و برای کل آزمون ۰/۸۱ بود. در ایران نیز بشارت و همکاران در سال (۱۳۹۴) پایایی و روایی آزمون را مورد بررسی قرار داده و مقدار آن را از طریق آلفای کرونباخ برای مقیاسهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۷ و ۰/۷۹ و برای کل آزمون ۰/۸۰ گزارش کردند و روایی آن را نیز با استفاده از همبسته کردن با مقیاس مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف ۰/۷۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، برای تعیین پایایی پرسشنامه رضایت جنسی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

روش اجرای پژوهش و تحلیل

روش اجرای این پژوهش از نوع میدانی و پیمایشی می‌باشد. تحقیق حاضر در زمره تحقیقات توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بوده و جهت بررسی تفاوت مولفه‌ها از پرسشنامه استفاده شد. پس از انتخاب جامعه آماری، حجم نمونه به روش نمونه‌گیری دردسترس ۲۶۰ نفر تخمین زده شد. پس از انتخاب نمونه و کسب رضایت از پاسخگویان و ایجاد اطمینان از محرمانه ماندن نتایج، ابزارهای پژوهش ارائه و پس از تکمیل جمع‌آوری گردید. در نهایت با استخراج داده‌ها از پرسشنامه‌ها، داده‌های مورد نظر مورد تحلیل توصیفی و استنباطی قرار گرفتند. داده‌های پژوهش با مجموعه‌ای از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل خواهند شد. جهت تحلیل داده‌های بدست آمده از آمار توصیفی شامل فراوانی، نمودار و درصد استفاده خواهد شد و از آمار استنباطی جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و یک راهه استفاده می‌شود.

یافته های پژوهش

جدول (۱) یافته‌های توصیفی متغیرها

متغیرها	زنان متقاضی طلاق (n=۱۳۰)		زنان عادی (n=۱۳۰)	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
رضایت جنسی	۵۸,۲۳	۱۳,۶۶	۷۶,۳۶	۱۰,۹۱
خودمختاری	۲۵,۲۲	۶,۱۱	۲۶,۷۴	۷,۶۳
ارتباط با دیگران	۲۱,۹۱	۳,۹۷	۳۰,۹۴	۵,۴۱
ادراک شایستگی	۲۰,۱۰	۴,۲۵	۲۵,۰۵	۴,۶۲
احساس امنیت کل	۶۷,۲۴	۱۱,۱۶	۸۲,۷۴	۱۳,۴۶

نتایج جدول بالا، میانگین و انحراف استاندارد متغیرها را در دو گروه زنان متقاضی طلاق و زنان عادی نشان می‌دهد. لذا بر اساس یافته‌های جدول فوق زنان متقاضی طلاق نسبت به زنان عادی دارای رضایت جنسی پایین‌تر بودند. همچنین نمرات خودمختاری، ارتباط و ادراک شایستگی نیز در زنان متقاضی طلاق نسبت به زنان عادی پایین‌تر بود. بنابراین، جهت اینکه مشخص شود تفاوت‌های بدست آمده از لحاظ آماری معنی‌دار است یا خیر لازم است داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار استنباطی شامل تحلیل واریانس چندمتغیره و یک راهه مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. نتایج در ادامه ارائه شده است.

یافته‌های استنباطی

در این پژوهش برای تحلیل استنباطی نتایج، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و تحلیل واریانس یک راهه استفاده گردیده است. بنابراین لازم است تا پیش‌فرض‌های مورد نیاز جهت کاربرد آزمون‌های پارامتریک بررسی گردند. برای آزمون پیش‌فرض تساوی واریانس‌های دو گروه در جامعه از آزمون لوین استفاده شد. نتایج حاصل شده در جدول (۴-۲) آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هیچ متغیری واریانس دو گروه تفاوت معناداری با هم ندارند.

جدول ۲) نتایج آزمون لوین جهت بررسی پیش‌فرض تساوی واریانس‌های دو گروه

متغیر	Df1	Df2	F	Sig
رضایت جنسی	۱	۲۵۸	۳,۵۴۰	۰,۰۶۱
خودمختاری	۱	۲۵۸	۱,۱۹۱	۰,۲۷۶
ارتباط با دیگران	۱	۲۵۸	۳,۵۶۳	۰,۰۵۸
ادراک شایستگی	۱	۲۵۸	۳,۰۱۵	۰,۰۷۲
احساس امنیت	۱	۲۵۸	۰,۲۰۵	۰,۶۵۱

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که مقدار F برای همه متغیرها معنادار نیست. لذا فرض صفر مبنی بر برابری واریانس‌ها در دو گروه پذیرفته می‌شود. برای آزمون پیش‌فرض یکسانی ماتریس کوواریانس، از آزمون باکس استفاده شد.

جدول ۳) نتایج آزمون باکس جهت بررسی تساوی کوواریانس‌ها در دو گروه

ضریب باکس	۳,۷۱۵
آماره F	۱,۲۲۸
درجه آزادی اول	۳
درجه آزادی دوم	۱۱۹۸۱۵۲۰,۰۰
معنی‌داری	۰,۲۹۸

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار f معنی‌دار نیست. لذا فرض برابری ماتریس کوواریانس پذیرفته می‌شود و می‌توان آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری را بکار برد.

فرضیه اصلی: بین رضایت جنسی و احساس امنیت در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد.

جدول (۴) نتایج تحلیل واریانس چند متغیره

آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF خطا	F	Sig	ضریب ایتا
آزمون اثر پیلایی	۰,۲۵۸	۲	۲۵۷	۴۴,۶۰۷	۰,۰۰۰۱	۰,۲۵۸
آزمون لامبدای ویلکز	۰,۷۴۲	۲	۲۵۷	۴۴,۶۰۷	۰,۰۰۰۱	۰,۲۵۸
آزمون اثر هتلینگ	۰,۳۴۷	۲	۲۵۷	۴۴,۶۰۷	۰,۰۰۰۱	۰,۲۵۸
آزمون بزرگترین ریشه وری	۰,۳۴۷	۲	۲۵۷	۴۴,۶۰۷	۰,۰۰۰۱	۰,۲۵۸

نتایج جدول ۴-۴ نشان می‌دهد که حداقل یکی از متغیرهای وابسته یعنی رضایت جنسی و احساس امنیت در بین دو گروه تفاوت معناداری باهم دارند. ضریب ایتا نیز نشان می‌دهد که شدت تفاوت متغیرها بین دو گروه ۲۵ درصد است. فرضیه فرعی یکم: بین رضایت جنسی در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد

جدول شماره ۵) خلاصه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای فرضیه فرعی یکم

متغیرهای وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig	اندازه اثر
رضایت جنسی	۲۱۳۴۸,۹۸۵	۱	۲۱۳۴۸,۹۸۵	۲۱,۱۱۱	۰,۰۰۰۱	۰,۰۷۶

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که مقدار f برای متغیر رضایت جنسی در بین دو گروه از زنان متقاضی طلاق و زنان عادی تفاوت معناداری وجود دارد. مقدار ضریب ایتا نیز نشان می‌دهد که شدت تفاوت برای رضایت جنسی ۷ درصد بین دو گروه می‌باشد.

جدول ۶) مقایسه میانگین رضایت جنسی براساس آزمون LSD

متغیر	گروه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	Sig
رضایت جنسی	متقاضی طلاق - عادی	-۱۸,۱۲۳	۳,۹۴۴	۰,۰۰۰۱

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین رضایت جنسی در زنان متقاضی طلاق نسبت به زنان عادی به طور معناداری کمتر است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که زنان متقاضی طلاق دارای رضایت جنسی پایین تری نسبت به زنان عادی هستند. فرضیه فرعی دوم: بین احساس امنیت در بعد شایستگی در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۷) خلاصه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای فرضیه فرعی دوم

متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig	اندازه اثر
شایستگی	۱۵۹۰,۱۸۸	۱	۱۵۹۰,۱۸۸	۴۳,۰۰۰	۰,۰۰۰۱	۰,۱۴۳

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که مقدار f برای متغیر احساس امنیت در بعد شایستگی در بین دو گروه از زنان متقاضی طلاق و زنان عادی تفاوت معناداری وجود دارد. مقدار ضریب ای‌تا نیز نشان می‌دهد که شدت تفاوت برای احساس امنیت در بعد شایستگی ۱۴ درصد بین دو گروه می‌باشد.

جدول) مقایسه میانگین شایستگی براساس آزمون LSD

متغیر	گروه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	Sig
شایستگی	متقاضی طلاق- عادی	-۴,۹۴۶	۰,۷۵۴	۰,۰۰۰۱

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین احساس امنیت در بعد شایستگی در زنان متقاضی طلاق نسبت به زنان عادی به طور معناداری کمتر است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که زنان متقاضی طلاق دارای احساس امنیت در بعد شایستگی پایین‌تری نسبت به زنان عادی هستند.

فرضیه فرعی سوم: بین احساس امنیت در بعد خودمختاری در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۸) خلاصه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای فرضیه فرعی سوم

متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig	اندازه اثر
خودمختاری	۱۵۰,۷۸۵	۱	۱۵۰,۷۸۵	۳,۱۵۱	۰,۰۷۷	۰,۰۱۲

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که مقدار f برای متغیر احساس امنیت در بعد خودمختاری در بین دو گروه از زنان متقاضی طلاق و زنان عادی تفاوت معناداری وجود ندارد. مقدار ضریب ای‌تا نیز نشان می‌دهد که شدت تفاوت برای احساس امنیت در بعد خودمختاری یک درصد بین دو گروه می‌باشد که معنادار نیست.

جدول ۹) مقایسه میانگین خودمختاری براساس آزمون LSD

متغیر	گروه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	Sig
خودمختاری	متقاضی طلاق- عادی	-۱,۵۲۳	۰,۸۵۸	۰,۰۷۷

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین احساس امنیت در بعد خودمختاری در زنان متقاضی طلاق نسبت به زنان عادی معنادار نیست. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که بین نمرات خودمختاری در بین دو گروه زنان متقاضی طلاق و زنان عادی تفاوتی وجود ندارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین احساس امنیت در بعد ارتباط با دیگران در زنان متقاضی طلاق ارجاعی به دادگاه صیانت از خانواده و زنان عادی استان همدان تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۰) خلاصه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای فرضیه فرعی چهارم

متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig	اندازه اثر
ارتباط با دیگران	۵۳۰۱,۰۶۲	۱	۵۳۰۱,۰۶۲	۸۲,۲۳۸	۰,۰۰۰۱	۰,۲۴۲

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که مقدار f برای متغیر احساس امنیت در بعد ارتباط با دیگران در بین دو گروه از زنان متقاضی طلاق و زنان عادی تفاوت معناداری وجود دارد. مقدار ضریب ای‌تا نیز نشان می‌دهد که شدت تفاوت برای احساس امنیت در بعد ارتباط با دیگران ۲۴ درصد بین دو گروه می‌باشد.

جدول ۱۱) مقایسه میانگین ارتباط با دیگران براساس آزمون LSD

متغیر	گروه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	Sig
ارتباط با دیگران	متقاضی طلاق- عادی	-۹,۰۳۱	۰,۹۹۶	۰,۰۰۰۱

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین احساس امنیت در بعد ارتباط با دیگران در زنان متقاضی طلاق نسبت به زنان عادی به طور معناداری کمتر است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که زنان متقاضی طلاق دارای احساس امنیت در بعد ارتباط با دیگران پایین‌تری نسبت به زنان عادی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

در تبیین این یافته که نشان داد رضایت جنسی در زنان متقاضی طلاق پایین‌تر از زنان عادی می‌باشد، می‌توان گفت، نیاز جنسی نه تنها در رده نیازهای فیزیولوژیک انسان مانند تشنگی، گرسنگی و نیاز به هوا و خواب، بلکه در حیطه نیازهای معنوی و عرفانی چون نیاز به زیبایی و کمال در نظر گرفته می‌شود. استحکام روابط زناشویی بدون داشتن روابط جنسی رضایت بخش به خطر می‌افتد، لذت جنسی از مهمترین لذت‌هایی است که یک فرد در طول عمر خود از آن بهره‌مند می‌شود و این لذت است که سختی‌های زندگی و مشکلات بین زوجین را قابل تحمل می‌نماید. از اینرو فعالیت جنسی بعنوان یکی از ابعاد مهم زندگی افراد در آمده است که می‌تواند متاثر از ویژگی‌های خود فرد، روابط بین فردی، شرایط خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی، محیط، سوابق فعالیت‌های جنسی وی و همسر، سلامت جسمی و روانی و وضعیت هورمونی قرار گیرد. زنان برخوردار از سلامت جنسی پایه‌های مستحکم خانواده هستند، سرکوب نیازهای طبیعی و خدادادی زنان آثار نامطلوب برصمیمیت و نشاط اعضای خانواده برجای خواهد گذاشت. لذت جنسی موجب می‌گردد بسیاری از مشکلات روزمره زندگی و اختلافات زناشویی نادیده گرفته شود و وابستگی‌های عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد. هماهنگی و ارضای نیازهای زوجین، برآمدن نیازهای عاطفی، داشتن مهارت‌های مربوط به

ایجاد تفاهم و شیوه های محبت و ارضای نیازهای جنسی زوجین می‌تواند باعث رضایت زوجین از زندگی مشترک و تداوم آن گردد. عشق و صمیمیت و رابطه جنسی جنبه های در هم تنیده روابط نزدیک هستند که هر کدام می‌تواند دیگری را به شیوه های مثبت یا منفی تاثیر قرار دهد. رابطه جنسی یک الزام بیولوژیکی برای هر موجود زنده و بالغ است و به گفته سازمان جهانی بهداشت، رابطه جنسی بین زوجین مترادف با مقاربت جنسی نیست و هدف آن صرفاً تجربه یا عدم تجربه ارگاسم نیست، رابطه جنسی و اهمیت آن در زندگی زناشویی بالاتر از رابطه فیزیکی و جسمی است، بلکه نوعی انرژی است که افراد را بر می‌انگیزد تا عشق و عاطفه و صمیمیت را در بین خود بوجود آورند.

این روابط در زندگی مشترک به همان میزانی که جنسی و جسمی است حسی می‌باشد. اسپوتن معتقد است که رابطه جنسی رضایت بخش یک فاکتور مهم برای داشتن یک زندگی زناشویی خوب است، این رابطه هدفی است که زوجین را به یک واحد تبدیل می‌کند. ارضای نیازهای جنسی و رضایتمندی حاصل از آن از عوامل موثر در بهداشت روان افراد است و بر مردم و استحکام بنیان خانواده می‌افزاید. انگیزه و میل جنسی همانند سایر انگیزه های بنیادی آدمی، بخش جدایی ناپذیر ماهیت زیستی، روانی، اجتماعی را تشکیل می‌دهند و روشن است که کیفیت ارضاء این انگیزه نقش بسیار مهمی را در سلامت فردی و اجتماعی و دستیابی به آرامش و آسایش ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد که بی توجهی طولانی مدت به غریزه جنسی در انسان، عوارض جبران ناپذیری به جا گذارده و در بیشتر مواقع موجب اختلال در روابط جنسی و عدم رضایت جنسی زوج ها شده و منجر به فروپاشی بنیان خانواده می‌گردد.

اگر غریزه جنسی به درستی ارضا نشود فشارهای زیاد جسمی و روانی ناشی از آن فرد را به بیراهه کشانده، در سلامت او اختلال ایجاد کرده، توانمندی ها و خلاقیت های او را تقلیل می‌دهد. رضایت بخش نبودن روابط جنسی سبب ایجاد محرومیت، ناکامی، عدم ایمنی در همسران می‌شود. این محرومیت جنسی در نهایت موجب طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی می‌گردد. نارضایتمندی جنسی در بسیاری از موارد طلاق نقش مهمی دارد.

بنابراین، رضایت از رابطه جنسی، یکی از عوامل مهم رضایت از زندگی زناشویی، از عوامل مهم مؤثر بر سلامتی و کیفیت زندگی زوجین و از مهمترین شاخص‌های رضایت از زندگی است. رضایت جنسی، به احساس خوشایند شخص از روابط جنسی خود اطلاق می‌شود. رضایت جنسی، در حوزه‌های خانواده و مسائل زناشویی اهمیت ویژه‌ای دارد و مطالعات متعددی نیز به تأثیر رضایت جنسی بر رضایت زناشویی اشاره کرده‌اند. این مطالعات نشان داده‌اند که وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند باعث تأمین رضایت طرفین شود، نقشی بسیار مهم و اساسی در پایداری کانون خانواده دارد. لذا در خانواده هایی که فعالیت جنسی رضایت بخش وجود ندارد، انواع مشکلات جنسی بروز می‌کند.

یکی از عواملی که در سلامت افراد نقش موثری دارد، تمایلات و رضایت جنسی بخش آنان بوده است که شامل: ابعاد فیزیولوژیکی، روانی اجتماعی، تکاملی و پاسخ جنسی می‌باشد. عملکرد جنسی رضایت بخش علاوه بر تأمین بهزیستی روان شناختی افراد، موجب بقای نسل و تولید مثل میگردد و پژوهشگران آن را به عنوان زیربنای تشکیل خانواده پذیرفته و ارضای آن را بسیار مهم و ضروری می‌دانند. تمایلات جنسی به مثابه یکی از پیچیده‌ترین ابعاد زندگی زنان محسوب میشود که از عوامل متعددی متأثر می‌شود و بر ابعاد مختلفی از زندگی آنها تاثیر می‌گذارد و در مطالعات متعددی که به مطالعه همبسته‌های رضایت جنسی در نمونه‌های مختلف پرداخته‌اند، بین فراوانی برانگیختگی، ارگاسم و درد طی رابطه جنسی با میل و رضایت جنسی زنان، بین کیفیت جنسی زندگی با ابعاد جسمی، هیجانی و رابطه رضایت از ازدواج رابطه وجود داشته است و نتایج تحقیقات نشان میدهد نارسایی‌های جنسی ارتباط تنگاتنگی با مشکلات اجتماعی از قبیل: اعتیاد، جرایم، تجاوزهای جنسی، بیماریهای روانی و طلاق دارند .

در تبیین یافته دیگر پژوهش که نشان داد احساس شایستگی در زنان متقاضی طلاق پایین‌تر از زنان عادی می‌باشد، می‌توان گفت، انسانها به دلایل مختلفی ازدواج می‌کنند و در کنار تمایلات جنسی که از مسائل اولیه هستند، ادراک شایستگی از سوی خود و

دیگران، عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش و فرار از تنهایی نیز، بعضی از عواملی هستند که باعث گرایش به ازدواج و ثبات زندگی زناشویی میشوند. اصطلاح طلاق در نظام‌های حقوقی غربی دلالت دارد بر انحلال یک رابطه زناشویی رسمی و قانونی در زمانی که هر دو طرف هنوز در قید حیات‌اند و پس از وقوع آن می‌توانند بار دیگر ازدواج کنند. طلاق معمولاً پس از یک دوره اختلال یا بی‌سازمانی در روابط زناشویی واقع می‌شود، گرچه همواره چنین نیست و مثلاً دو همسر که دارای انتظارات بالای لذت زناشویی هستند، ممکن است با رضایت کامل و بدون آن‌که اختلالی در روابطشان به وجود آمده باشد، برای گریز از ازدواج درصدد طلاق برآیند و عوامل مختلفی همانند اختلال عملکرد جنسی و اختلال در ارتباط عاطفی در آن دخیل است (کومار، ۲۰۱۷؛ دیاموند و لگرو، ۲۰۱۷؛ ریچارد و وینتر، ۲۰۱۶؛ بایرن، ۲۰۱۷). گافال (۲۰۱۰) عوامل فردی (سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی-اجتماعی)، ارتباطی (کارکردهای روانی و عاطفی خانواده پیشین و یا میزان دلبستگی به همسر سابق) و روانی (میزان عزت نفس، مهارت‌های مقابله فردی، نگرشها و باورهای فردی) را از جمله عوامل موثر در پایان دادن به ازدواج و وقوع آن ذکر کرد. این در حالی است که محسن-زاده و همکاران (۱۳۹۰) با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی ایران، عوامل قبل از ازدواج مانند ازدواج با انگیزه نامناسب و ازدواج اجباری و عوامل بعد از ازدواج شامل تعارض با خانواده همسر، حضور اندک شوهر در منزل و تداوم معاشرت‌های مجردی، تعارض بر سر نگرشهای نقش جنسیتی، خشونت زناشویی، خیانت، بدگمانی و مشکلات مالی در بروز طلاق را موثر میدانند. بنابراین زنان متقاضی طلاق به دلیل تعارضات بالایی که در خانواده دارند و سخنان تندی که به همدیگر می‌زنند دارای روحیه ضعیفی می‌باشند و زدن حرف‌های منفی بین همسران و انتقاد از یکدیگر منجر به شکل‌گیری ادراکی از عدم شایستگی در آنان می‌شود. این در حالی است که همسران عادی در تعاملاتشان به میزان بالاتری عواطف مثبت را تجربه می‌کنند و کلمات محبت آمیز بیشتری را به یکدیگر می‌زنند و ادراکی از شایستگی را دریافت می‌کنند.

از سوی دیگر، پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که ارضای نیازهای بنیادین، پیامدهای مثبت متعدد مثل بهزیستی، عملکرد و پشتکار دارد و از پیامدهای منفی مثل ناخوش احوالی و ترک درمان جلوگیری می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهشی موجود، ارضای نیازهای بنیادین خودپیروی، شایستگی و تعلق با بهزیستی رابطه مثبت و با افسردگی و اضطراب رابطه منفی دارد و با توجه به ارزش تبیینی مفهوم نیازهای بنیادین در چارچوب نظریه‌های روان‌شناختی و نقش تعیین‌کننده آنها در رشد و تحول بهنجار و آسیب‌شناسی روانی، موضوع سنجش این نیازها اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. همچنین، تعریف شایستگی به صورت رسمی عبارتست از: نیاز به موثر بودن و تعامل‌ها بطوریکه بیانگر میل به کار بردن استعدادها و مهارت‌ها و در انجام این کار، دنبال کردن چالش‌های بهینه و تسلط یافتن به آنهاست و ارتباط نیاز برقراری پیوندها و دلبستگی‌های عاطفی با دیگران است و این نیاز بیانگر میل به مرتبط بودن عاطفی و درگیر بودن در روابط صمیمانه است و در بین نیازهای متعدد انسان، نیازهای بنیادین روان‌شناختی به دلایل مختلف از جمله ثبات آنها در طول زمان تأثیرات عمیق آنها به شخصیت و رفتار انسان و پیامدهای مثبت ذهنی آنها در زمینه‌های درون شخصی و بین شخصی از اهمیت ویژه برخوردارند. نظریه خودتعیینی‌گری سه نیاز خود پیروی، شایستگی و تعلق (پیوستگی) را بنیادین می‌داند. میل به خود آغازگری در تنظیم اعمال شخصی و این که خود احساس کند پیامدهای رفتاری وی توسط خود او تعیین شده است، نیاز خود پیروی نامیده می‌شود. خودتعیین‌گری و روابط عاشقانه اشاره به این دارد که چرا یک رابطه درگیر است، مشارکت کامل خود را در رابطه تصدیق کند. نظریه خودتعیین‌گری بر این باور است که در تمام انسان‌ها بسته به میزان ارضای نیازهای بنیادی روان‌شناختی، روابط عاشقانه رضایت بخش‌تر خواهند بود.

از سویی نتایج نشان داد که بین خودمختاری در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی تفاوتی وجود ندارد، لذا می‌توان گفت، همسران عادی و همسران متقاضی طلاق هر دو به یک اندازه از این ویژگی برخوردارند. زنان متقاضی طلاق به دلیل عدم ارتباط با همسر و عدم قبول تصمیمات او احساس خودمختاری دارند و احساس می‌کنند آزاد هستند برای انجام هر کاری و همچنین زنان عادی نیز به دلیل ارتباط مناسب با همسر و صمیمیت و فضای اعتماد بین شخصی احساسی از خودمختاری و استقلال را تجربه می‌کنند و بنابراین در این متغیر تفاوتی بین دو گروه وجود ندارد و در نهایت در تبیین این یافته که نشان داد ارتباط با دیگران در زنان

متقاضی طلاق پایین تر از زنان عادی می باشد، می توان گفت، از دیدگاه زنان و مردانی که تجربه طلاق دارند، عوامل متفاوتی زمینه ساز بروز طلاق است، چنانچه مطالعه باریکانی و محمدی (۱۳۹۲) نشان داد که مهمترین دلایل مردان برای جدایی و طلاق دخالت های خانوادگی و در میان زنان مهمترین دلیل طلاق، انتخاب نادرست همسر می باشد. بررسی پیشینه تجربی اشاره بر این نکته دارد که عوامل موثر بر طلاق از جامعه ای به جامعه دیگر کاملا متفاوت است و این امر بر این نکته صحه میگذارد که برای پیشگیری و کاهش طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی لازم است بافت فرهنگی اجتماعی مورد نظر قرار گیرد. پژوهش های فراوانی به تأثیر نیازهای زنان بر رضایت زناشویی اشاره کرده اند. برخی از این پژوهش ها نشان داده اند که مسائل جنسی و عاطفی از لحاظ اهمیت در ردیف مسائل درجه اول یک زندگی زناشویی قرار میگیرند و نتایج مطالعات متعددی، آشفتگی، استرس، افسردگی، پایین بودن عزت نفس، نارضایتی زناشویی و نارضایتی جنسی را پیامدهای روانشناختی مشکل در برقراری ارتباط جنسی موفق معرفی می نمایند. لذا دارا بودن باورهای ناکارآمد درباره همسر و افراد دیگر می تواند مشکلاتی را بین همسران ایجاد کند. از سوی همسران متعارض مشکلاتی را همانند دخالت اطرافیان و خانواده همسر تجربه کرده و در زمینه روابط با دیگران گزارشاتی را اعلام می کنند و بنابراین می توان گفت زنان متقاضی طلاق در روابط با دیگران مشکلات بیشتری دارند .

افرادی که در روابطی قرار دارند که ارضا کننده سه نیاز بنیادین آنهاست است. بیشتر خواهان ابزار احساسات خود هستند و با سهولت بیشتر به حمایت همسر خود می پردازند. نتایج مطالعه دسی، لاگاریا، موله، شنیرورایان در سال (۲۰۰۶) در زمینه بررسی حمایت از خود پیروی دو جانبه در روابط زوجین حاکی از آن است که در چنین روابطی، حمایت بیشتر از خود پیروی همسر، پیش بینی کننده دل بستگی ایمن، سازگاری زوجی، صمیمیت، سرزندگی و رضایت است. به علاوه حمایت کردن از خود پیروی همسر با کارکرد مثبت تر رابطه و همچنین بهزیستی بیشتر همراه است (به نقل از عطاری، ۱۳۸۵). به طور کلی، وقتی فردی احساس کند که نیازهای ارضاء شده است؛ رضایت و تعهد بیشتری تجربه می کند و پاسخ های سازگارانه تری را برای حل تعارضها به کار می گیرد. ارضای نیاز به تعلق، براساس شواهد موجود، مهم ترین پیش بینی چنین پیامدهایی است و در بین سه نیاز بنیادین روان شناختی سهم ویژه ای در رضایت فرد دارد. لذا با استناد به یافته های پژوهشی که ذکر شدند می توان پیش بینی کرد که رضایت جنسی و ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی با سازگاری زوجین رابطه وجود دارد و به نظر می رسد زمانی که اقدام به طلاق می کنند در ارضاء شدن نیازهای روان شناختی و امنیت مشکلاتی دارند.

در نهایت می توان گفت، هالفورد (۲۰۰۲) در مورد آشفتگی روابط زناشویی به توصیف نارضایتی مهم و مداوم در این رابطه پرداخته است. هر جا عدم توافق، تفاوت یا ناسازگاری بین همسران وجود داشته باشد، تعارض پدید خواهد آمد. ارتباط ناموثر موجب فاصله بین فردی عمیقی می گردد که در همه جنبه های زندگی و همه بخش های جامعه تجربه می شود. عدم استفاده از مهارت های لازم برای شروع و ادامه زندگی زناشویی لذت بخش می تواند منجر به تنهایی، بیماری جسمی و فشار روانی، احساس عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، مشکلات خانوادگی و حتی مرگ می شود. ناامیدی از بهبود روابط زوجین، بینش های سوگیرانه و نادرست، روابط غلط، علاوه بر اثرات سوپی که بر ارتباطات بین همسران می گذارد، بی تردید ساختار خانواده را نیز متزلزل می نماید.

منابع:

ابهری، رضا (۱۳۹۵). مقایسه کیفیت زندگی (و ابعاد آن) در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگیهای جمعیت شناختی در شهر شیراز. کنفرانس بین المللی مطالعات روانشناسی. تهران. دانشگاه تهران.

بشارت، محمد علی. رامش، سمیه. رضازاده، محمدرضا (۱۳۹۴). نقش تعدیل کننده پیوندهای والدینی در رابطه بین ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی و سازگاری زوجین. دوفصلنامه روانشناسی و خانواده. ۲(۲).

تازیکی، آرزو (۱۳۹۳). مقایسه منبع کنترل، راهبردهای مقابله با فشار روانی و شادکامی در بین زنان مطلقه و عادی شهر گرگان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

جمالی تبار، مریم (۱۳۹۵). اثربخشی گروه درمانی فراسناختی بر کاهش نشخوار فکری، دشواری در تنظیم هیجان و افکار ناکارآمد در زنان مطلقه. دانشگاه سمنان.

ذوالفقاری، بهاره (۱۳۸۹). اثرات جدایی و طلاق والدین. مجله رشد آموزش پیش دبستانی، ۲(۲).

رحمانی، اعظم. مرقاتی، عفت (۱۳۹۰). ارتباط رضایت جنسی و رضایت از زندگی زناشویی. نشریه پرستاری ایران. ۲۴(۷۰).
صالحی، امین (۱۳۹۳). مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه، سبک های دفاعی و ویژگی های شخصیتی در زنان معتاد و غیرمعتاد شهرستان شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

عباسی، سمیه (۱۳۹۳). مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه، ویژگی های شخصیتی و توانایی همدلی در بین زنان مطلقه و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

قهنویه، معصومه. معروفی، محسن. ملایی نژاد (۱۳۹۴). رابطه خود پنداره جنسی و عملکرد جنسی زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشت و درمان شهر مبارکه. ویژه نامه بهداشت روان. ۱۲(۳).

کارجو، سونا (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش تمایز یافتگی بر بهزیستی روان شناختی و سلامت عمومی زنان مطلقه مراجعه کننده به مرکز بهزیستی شهر رشت. دانشگاه شهید چمران اهواز.

کثیری نسب، زهره (۱۳۹۰). مقایسه ویژگیهای شخصیتی در زنان طلاق و غیرطلاق و بررسی عوامل جمعیت شناختی مرتبط با پدیده طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

کریمی، اقدس. دادگر، سلمه. عافیت، ملیحه (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش بهداشت جنسی بر رضایت جنسی زوجین. مجله مامائی و نازائی. ۱۵(۴۲).

نامی، حمیده (۱۳۹۶). مقایسه آگاهی جنسی، رضایت جنسی و سازگاری زناشویی در مردان و زنان متقاضی طلاق در تهران. اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ، آسیب شناسی روانی و تربیت.

نجفی، محمود. بیطرف، مهسا. محمدی فر، محمدعلی. زارعی، الهه (۱۳۹۴). مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه و بینش شناختی در زنان متقاضی طلاق و عادی. جامعه شناسی زنان. ۶(۴).

واعظی، کبری (۱۳۹۴). دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق مطالعه موردی: زنان مطلقه شهرستان بانه. فصلنامه مددکاری اجتماعی. ۱۴(۱).

ولی زاده، سارا (۱۳۹۴). مقایسه نگرانی، تاب آوری و سلامت روان زنان مطلقه و زنان متأهل. دانشگاه گیلان. مؤده، فاطمه. محمدی، شراره (۱۳۹۱). ارتباط بین افسردگی و شاخص عملکرد جنسی در زنان متأهل. نشریه دانشکده پرستاری و مامایی همدان. ۲۱(۱).

نمونه منابع:

Ashdown, B. K., Hackathorn, J., & Clark, E. M. (2011). In and out of the bedroom: Sexual satisfaction in the marital relationship. *Journal of Integrated Social Sciences*, 2(1), 40-57.

Bisung, E., Luginaah, I (2017). The effects of perceived competence and moral competence to the satisfaction of marital relationships and married life. *Child Abuse & Neglect*. (54). 47-54.

Byrne, M (2017). Association Between Sexual Problems and Relationship Satisfaction Among People With Cardiovascular Disease. *The Journal of Sexual Medicine*. 14(5).

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well being. *American Psychologist*, 55, 68-78.

Diamond, MD, LegroMD (2017). Sexual function in infertile women with polycystic ovary syndrome and unexplained infertility. *American Journal of Obstetrics and Gynecology*. 217(2).

Gaffal, M (2010). Factors Influencing Ex- spouses Adjustment to Divorce. [www. Springer. Com/](http://www.Springer.Com/) 978-3- 13895- 9.

Ina, R. E., Bublic, A (2016). Basic psychological needs predict participants' attitudes and expectations towards marriage. *Journal of Nordic Psychology*. 68(2).

Kumar, B. N (2017). Sexual dysfunction in women with alcohol dependence syndrome: A study from India. *Asian Journal of Psychiatry*. (28).

Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G. & Follerud, T.R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15; 359- 367.

Richard, A., Winter, Sam (2016). Determinants of Women's Sexual Dissatisfaction: Assessing a Cognitive-Emotional Model. *The Journal of Sexual Medicine*. 13(11).

Trompeter, S. E., Bettencourt, R., & Barrett-Connor, E. (2012). Sexual activity and satisfaction in healthy community-dwelling older women. *The American journal of medicine*, 125(1), 37-43

to compare the sexual satisfaction and safety of women in referral women divorced women to the Family and Normal Women's Protection Court in Hamedan

Hassan heidari – fateme khalili

Abstract

The purpose of this study was to compare the sexual satisfaction and safety of women in referral women divorced women to the Family and Normal Women's Protection Court in Hamedan. The method of this research is applied and in terms of descriptive and causal-comparative type. According to the statistical population of the present study, all couples applying for a divorce referral to the court for protecting family and normal women from Hamadan province in the summer of 2017, Samples were selected from 260 couples based on Morgan's table, using available sampling method from the families of the family and normal women in Hamadan province. The research tools were Hudson's Sexual Satisfaction Questionnaire (1981) and Desi & Ryan's Psychological Needs Questionnaire (2000). For data analysis, multivariate and one-way variance analysis was used and the results showed that at least one of the dependent variables, namely sexual satisfaction and feeling of security between the two groups have significant differences and the ITA coefficient also showed that the severity of the variables varies between the two groups of 25%. Based on the results, there is a significant difference between sexual satisfaction and feeling of security in referring women to the court for protection of family and normal women in Hamedan province. Sexual satisfaction and security feelings in women seeking divorce are lower than normal women.

Keywords: Sexual Satisfaction, Satisfaction, Women, Divorce, Family.